

متن پیاده سازی شده نشست دوازدهم (34) سال دوم درس خارج فقه هنر 11 دی 1401

برای دریافت فایل [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليك الحجة ابن الحسن صلواتك عليه و على آباءه فى هذه الساعة و فى كل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا

وعينا حتى تسكنه ارضك طوعا و تمتعه فيها طويلا

رقص، ترقيص ، و تصفيق ؛ تكليفا و وضعا

طبيعتا مستحضريد اولين كار اين است كه ببينيم معنای رقص چیست ؛ فارسی يا عربی ... ببينيم شارع مقدس راجع به اين واژه عبارتی دارد يا نه ... موقعیت فقهی آن را بررسی كنيم و بعد برسيم به موقعیت شرعی آن در ادله و البته اگر نظر خاصی هم داریم بيان كنيم.

بحث زیبایی است كه مبتلا به است و جای كار دارد ...

رقص را گفته اند :كارها و حرکات موزون و مطرب و مهيج ... و لذا می گویند رقص همان تاثیر را می گذارد كه آواز و موسیقی می گذارد...

ممکن است با آلات موسیقی باشد يا نه ... همراه با لرزاندن كمر ، باسن و شكم و سينه .. و امثال ذلك ...

رقص مثل ترقيص يا تصفيق اين ها مفاهيم عرفی است گاه يك غير فقيه بهتر از فقيه می تواند اين ها را تفسير كند ...

آن چه مهم است در واقع تطبيق اين مفاهيم بر مصاديق است ...

بحثی من در فقه و عرف دارم و آن اين كه ما نبايد مقارنات را در صدق مفهوم دخالت دهيم ...

منظور اين است كه ما يك مفهوم را بايد وقتی می خواهيم شناسایی كنيم، بايد آن را عريان كنيم و ببينيم دقيقا به چه دلالت دارد..

شما اگر كوزه ای شكسته باشد ؛ و افتاده روی زمين شما می برسيد آیا می توان بر آن سجده كرد ؟ می گوييم : آری

حال اگر اين كوزه بيايد سر سفره و آب داخل آن بريزيد .. آیا می توان گفت اين زمين است و می شود بر آن سجده كرد؟

طبيعتا می گوييد اين كوزه است و نمی شود...كوزه شكسته باشد و زير پا باشد می گوييد ارض است و می شود بر آن سجده

كرد اما اگر كوزه شود و بيايد سر سفره ..آب داخل آن بريزيد صدق ارض نمی كند...

اگر کسی اين گونه موضوعات را تحت «لزوم تجرد مفاهيم از مقارنات مزاحم برای تشخيص صدق مفهوم بر مصداق» كار كند

ارزشمند است ...

ما بسیاری از اين حرکات و تكان خوردنها را رقص نميدانيم...

اين جا يك مشكل هست و آن اين كه رقص را کسی ممکن است بگويد بايد سراغ عرف رفت نه متخصص...

اين هم مبنای ما نيست؛ حتى متخصص هم كه ما ميگويم از باب نهاد اطمینان است...

نه از باب شخص متخصص ...

و لذا اگر يك بار متخصص اشتباه كند، و من مكلف مطمئن باشم حق عمل ندارم

مثل روزه را كه پزشك به من بگويد نمی توانی روزه بگیری اما من ميدانم براي من مضر نيست می توانم روزه بگیرم ..

نظر متخصص و كارشناس موضوعيت ندارد و طريقت دارد اما آن كه موضوعيت دارد، اطمینان شخص است ...ولكن

اطمینان معمولا از همين طرق حاصل می شود..

پس رقص مفهوم عرفی است و ترقیص هم عرفی می شود
اگر به هر دلیل شک کردیم که فلان تکان خوردن رقص است یا نه ...
نتیجه تابع اخس است ..
حرمت رفته روی رقص ...

این هم شک داریم که رقص است یا نه ... حکم شک هم که معلوم است ...
عریان کردن مفاهیم از مقارنات ، این کلیدواژه مطلب ما است
اگر یک نهادی بنیانگذارانش کارشناسان بودند و وارد عرف شد ، مهم نیست ...
آقایان می گویند ما باید به عرف عام مراجعه کنیم در خصوص صدق مفاهیم ...
عرف معیار زمان خود شریعت هم مطرح بوده است ...

فرض کنید عرف یک تلقی از مفهومی دارد و کارشناسان هم تلقی خاص دارند و این عنوان تصور کنید در نصوص دینی هم هست .. برای مفهوم این نص باید رفت سراغ عرف معیار (عرف مردم نه عرف متخصص) ... العرف فی المفاهیم لا فی تطبیق المفاهیم علی المصادیق ...

ولی اگر یک اصطلاحی است که مثلا صدسال است در روانشناسی به کار میرود و در زبان مردم هم به کار میرود در همین بخش شدن ممکن است مردم تصرفاتی هم داشته باشند...

جمعی از فقها قائل به حرمت رقص شده اند و هیچ استثنایی در این باره نرده اند....

یکی از کسانی که به شدت به این قضیه معتقد است شیخ انصاری است وی می گوید: هر لهوری که از شدت فرح و بطر باشد ، حرام است . از این جاهایی است که هر وقت می بینم تعجب میکنم.

سوال این است که باید تحریم شود ... سوال این است که این چه نگاه تنزیهی هست که ما داریم؟! بعد می گوید: رقص ، دست زدن و تصفیق ... ضرب بالطشت ... وکل ما یفید فائدة آلات اللهو نعم لو خص اللهو بما یكون من بطر و فسر بشدة الفرح می گوید فرحی که از شدت شادی باشد کان ... تحریمه

می گویم یک دو مثال بزن؛ می گوید: فیدخل فی ذلک الرقص و التصفیق و الضرب بالطشت بدل الدف و کل ما یفید فائدة آلات اللهو

ما از این جنس فتوا ، زیاد داریم...

اما برخی بذر شک بر این بحث پاشیده اند؛ مرحوم عاملی صاحب مفتاح الكرامة
این بزرگوار احتمال حرمت علی الاطلاق داده است....

ولی ظاهرا فتوا به حرمت نداده است ... واحتمل العاملی ایضا حرمته علی الاطلاق لانه من اللهو و الباطل ...

این وسط یک نفر را پیدا کردم که فتوا به جواز داده است ...

مرحوم آشیخ جواد تبریزی

ایشان در استفتائات می گوید: رقص زن برای شوهر و رقص زن برای زنان در مجالس عروسی و مثل آن البته به شرطی که در معرض ... نباشد ، مانعی ندارد و رقص در غیر این دو مورد از مصادیق لهور است و سزاوار است که مومن از لهور اجتناب کند ...

ایشان به نظر من قائل به جواز بوده و از سویی هم نمی خواهد خود را درگیر افکار تندو مخالف کند ...

پس می توان گفت : آقای تبریزی رقصی که مقارن اختلاط زن و مرد نباشد ، اشکال نمیداند ..

البته این وسط چند تفصیل داریم

یکی رقص زن برای شوهر

اما رقص شوهر برای زن را هم گفته اند اشکال ندارد

(سید روح الله خمینی ، استفتائات)

زنی محضر آشیخ عبدالکریم حائری آمد و از وضعیت لباس پوشیدن خود در اجتماع گفت که من نمی توانم چادر بپوشم و به صورتی که می بینید ظاهر می شوم (پوشش عادی و موجهی داشت) ، آیت الله حائری هم وقتی به این شکل دید گفت: به این

شکل اشکال ندارد.

برخی فوراً به شیخ نسبت به این نظر اعتراض کردند و شیخ فرمود: آیا می‌گویید من به این حالت و پوششی که داشت، بگویم حرام است؟!

ما باید سعی کنیم در نظرات خود بیش از شرع صحبت نکنیم و ما گاه مصلحت‌اندیشی می‌کنیم و خود را جای شارع می‌گذاریم (در نظرات تندی که گاه داریم)

مجموعاً یک بحثی که هست این که یک فقیه تا چه حد باید پیامد‌گرایی کند و تا کجا نباید این کار را بکند....

یا برخی که نسبت به شرکت زنان در انتخابات اعلام کرده بودند، حرام است ولی الان که انتخابات موضوعیت خاص دارد، نظرات متفاوت شده است!

فقیه باید این نکات را رعایت کند و بداند....

نظر آقای خوبی این است که ایشان رقص را جایز نمی‌داند مگر این که رقص زوجه برای شوهرش باشد... استدلال هم می‌کنند که این از مصادیق استمتاع است.. و يجوز للرجل ان يستمتع بزوجه حيث شاء (شوهر می‌تواند هر استمتاعی از زنش ببرد؛ از جمله این که برای او برقصد)..

به نظر شما اشکال این کار کجاست؟

استمتاع از زوجه، به نظر شما جناب آقای خوبی، آیا ضیق ذاتی ندارد نسبت به مُحْرَم؟

فرض کنید کسی می‌خواهد از همسرش استمتاع ببرد ولی از طریقی که مشروعیتش محرز نیست.

اگر رقص دلیل بر منع ندارد.... بگویید دلیل نداریم

روایت سکونی و غیر سکونی هم انصراف دارد

اما دلیل بر جواز است، ادله جواز استمتاع نسبت به محرمات ضیق ذاتی دارد ...

فرض کنید کسی از همسرش می‌خواهد که برای او بخواند؛ از یک سو حرمت غنا و از سوی جواز استمتاع..... لذا می‌بینیم که

این‌ها نسبت به حرام ضیق ذاتی دارد ...

الحمد لله رب العالمین